



طرح: سید حسین ذاکر زاده

(مهره شریعتی)

Z_shariatii@yahoo.com

اشاره: هیچ پیامبری از میان زنان برگزیده نشده است، اما هیچ پیامبری نیز بدون حمایت زنی در کنار خویش نبوده است. در این نوشتار تنها به سوسویی از ستاره وجود سه بانو در حمایت از رسول رحمت اکتفا کرده ایم.

مقدمه

زن در فرهنگ وحی چنان با عظمت توصیف شده که هر انسانی را به شگفتی وامی دارد. تعبیرهای بلند قرآن کریم از زن و احادیث و روایاتی که به تبیین حقوق و تکالیف زن به عنوان نیمی از شاکله جامعه پرداخته اند، اهمیت بررسی نقش زنان را در ایفای نقش رسالت انبیا دوچندان می نماید. کاری که زنان در تثبیت ادیان الهی انجام داده اند، از امر مهم رسالت و پیامبری مردان کمتر نبوده است. زنان گذشته از تأمین آرامش عاطفی انبیا، زمینه رشد، تربیت، حمایت و مبارزه با ظلم و ستم زمانه را با ایثار جان و مال خود فراهم کرده اند. حتی همان آرامش عاطفی نیز به فرموده رسول اکرم ﷺ در کنار آرامشی نام برده شده که هنگام نماز بر بندگان

خداوند مستولی می گردد. چنان که فرمود از دنیای شما سه چیز را بیش از همه دوست می دارم و نور چشم منند: زن، عطر و نماز.^۱

برای نمونه کافی است به آغاز آفرینش انسان و خلقت حوا برای آرامش آدم توجه کنیم و همچنین زنان نمونه ای که در قرآن از آنها یاد شده، زنانی که حامی نبی زمان خود بوده اند: هاجر، همسر ابراهیم خلیل و مادر اسماعیل، مادر و خواهر موسی، آسیه همسر فرعون، مریم، مادر عیسی مسیح، و خدیجه همسر پیامبر خاتم و فاطمه (س) دخت گرامی او که سرور زنان عالم نام گرفته است.

در این مجال، به حمایت های گوناگون سه تن از بانوان بزرگاری که خوشاوندی نسبی نزدیک با پیامبر و طبیعتاً نقش مهم تری در زمینه انجام وظیفه خطیر رسالت داشته اند، پرداخته ایم. برای آسان شدن شناخت نوع حمایت این سه بانوی بزرگوار، با مرور اجمالی بر سیره آنان، شیوه های حمایت را به چند دسته تقسیم کرده ایم:

- ۱- حمایت عاطفی
 - ۲- حمایت مالی و اقتصادی
 - ۳- حمایت سیاسی و اجتماعی (در راستای اهداف رسالت)
 - ۴- حمایت دفاعی از دین، رسالت و شخص رسول اکرم ﷺ و امامت (همراه مقابله با انحرافات و تحمل مصائب)
 - ۵- حمایت در راستای الگودهی به زنان امت پیغمبر خاتم ﷺ (مباحث خانواده، حجاب، معاشرت با مردان، نقش تربیتی ایشان و حضور پر جلوه در عرصه های علمی)
- این تقسیم بندی در سیره مادر، همسر، و دختر گرامی آن حضرت، با ذکر مصادیق آمده است.

مادران پیامبران

مسلماً در تربیت همه مصلحان و اولیای عالم مادران نقش مهمی برعهده داشته اند. در عصر امروز نیز، تربیت انسان بزرگی چون امام خمینی (ره) پس از شهادت پدر، بر دوش مادر بزرگوارشان قرار گرفت. با مراجعه به کتب آسمانی، می توانیم نقش مادر را در زندگی چهار پیامبر بررسی کنیم: اسماعیل (ع)، موسی (ع)، عیسی و محمد ﷺ. جالب است که مسئول تربیت دوران کودکی هر یک از این پیامبران، تنها مادر ایشان بوده است، بی آن که پدرانشان نقشی در آن داشته باشند. مادر نه تنها وظایف مادری اش



اگر آئینه فرصت
زیادی برای ابراز محبت و
عاطفه مادری به محمد ﷺ نیافت،
در عوض فاطمه (س) آن را جبران
کرد.

پیامبر خدا ﷺ:
اسلام جز به شمشیر علی و
ثروت خدیجه بر پا نشد.

آئینه (علیها الرحمه)، مادر

آئینه دختر وهب و از بنی زهره بود. ابن اسحاق در توصیف او گفته است که از لحاظ نسب و موقعیت پدرش که رئیس خاندان بنی زهره محسوب می شد، برترین دختر قریش بود. بنی زهره پیش از ازدواج عبدالله (پدر گرامی رسول اعظم) با آئینه نیز نسبت خویشی با بنی هاشم داشتند. پس از تولد نبی اکرم ﷺ، آئینه به دلایلی، از جمله غم و اندوه ناشی از مرگ همسر جوانش که فرزند نادیده، چشم از جهان فرو بسته بود، و ضعف بنیه جسمانی و همچنین رسم عرب در آن روزگار که مادران جوان برای در امان نگاه داشتن نوزاد از گرمای طاقت فرسای سرزمین حجاز و بالاخص شهر مکه، فرزندان را به دایگان بادیه نشین که قوت جسمی لازم را برای شیردهی کودک داشتند، می سپردند، او نیز با حمایت پدر همسرش، عبدالمطلب، محمد ﷺ را به دایگی زنی به نام حلیمه سعدیه داد. اما حلیمه نیز نقش مادری مهربان و عطوف را برای آن حضرت تا سنین ۴ یا ۶ سالگی (طبق روایت های مختلف) ایفا کرد. از گفته های حلیمه در تاریخ است که: «حضرت را به دایگان بسیاری عرضه کردند، اما آنان از پذیرفتنش خودداری ورزیدند، چراکه دایه فرزند کسانی را برمی گزید که سرشناس و ثروتمند بودند و امید مال فراوانی به ایشان بود. اما محمد ﷺ تیمم بود و گرچه عبدالمطلب مقامی شایسته در قریش داشت، اما مرگ زودرس فرزند جوانش عبدالله که فرصتی برای تحصیل مال نیافته بود، موجب شده بود که میراث قابل توجهی نداشته باشد...»

در نهایت حلیمه با مهربانی ای که شایسته نامش بود، او را پذیرفت و از آن پس بود که هم شیرش برای سیر کردن فرزند خودش فزونی یافت، و هم به برکت وجود آن حضرت مال و گوسفندان خانواده اش افزون شد. نویسندگان سیره نبوی بر این اعتقادند که پس از بازگشت محمد ﷺ از بادیه و از نزد حلیمه به خانواده، مادرش تأثیر عمیقی در این مرحله از زندگی او گذارد. زمانی که به شش سالگی رسید، آئینه آثار بزرگمنشی و روحیه یک مرد کامل را در او دید و احساس کرد رویاهایی که در زمان بارداری او می دید کم کم به حقیقت می پیوندد.

پس از سفر به یثرب برای زیارت قبر عبدالله و دیدار خویشان مادری پیامبر، آئینه در یثرب به سختی بیمار شد و پیش از رحلت، سخن از پدر گفت:

«خداوند تو را مبارک گرداند، تو فرزند همان کسی هستی که به یاری قادر توانا از دام مرگ رهایی یافت و در پی قرعه اندازی برایش صد شتر ارزشمند به عنوان فدیة و سربها داده شد...»^۲

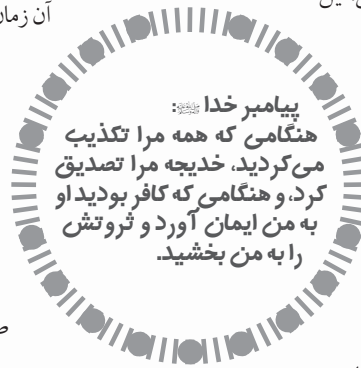
آئینه در یثرب به خاک سپرده شد و پیامبر خیلی زود مادر بزرگوارش را نیز همانند پدر از دست داد. اما نکته در این جاست که در عصر جاهلیت، روش مادر او برای تربیت فرزند ابراهیمی بود و اشعار و گفتاری توحیدی داشت. آئینه در رؤیا دیده بود که فرزندش نامی عالمگیر خواهد یافت و شخصیتی بزرگ و بی مانند خواهد شد. پیش از رحلت جانگدازش به فرزند گفت: «اگر



آن رؤیایی که من دیدم حق است، تو و دینی که تو آوری جهانگیر خواهد شد و از سوی خدا بر مردم مبعوث خواهی شد...» و حتی اشعاری در همان دوران بیماری انشا کرد و برای فرزندش خواند:
فانت مبعوث الی الامام
تبعث فی الحل و فی الحرام
تبعث بالتوحید و الاسلام
دین ابیک البر ابراهام
و او را آماده امر رسالت کرد. روش تربیت او ابراهیمی بود و در اشعارش اشاره می کند که تو راه ابراهیم بت شکن را طی خواهی کرد و دین او را زنده می کنی. این گفته ها تاثیر عمیقی بر پیامبر گذارد.^۲

آن زمان و اوایل بعثت و تحمل شدائد اهمیت یافت.^۳

در حالی که بسیاری از مردان یا تقیه می کردند و از ترس جرات نداشتند ایمان به رسالت پیامبر خاتم را اظهار کنند. علت این امتیاز برای سابقین و پیشتانزان، نوعی نبوغ فکری و فرهنگی و عملی است، یعنی نثار جان و مال برای حفظ دین. در آن روزها که فرهنگ حاکم، تفکر جاهلیت و بت پرستی و ثروت پرستی بود، کم بود کسی که بتواند خلاف جریان شنا کند و هم رنگ جماعت نشود و حتی با شجاعت و شهامت تمام از اسلام و دین ناب حمایت کند و از رسول اطاعت نماید. اما خدیجه سنت شکنی کرد، هم در انتخاب جوانی یتیم و تهی دست از بنی هاشم به عنوان همسر، و هم صرف مال و ثروت فراوانش در راه اسلام.



خدیجه (علیها السلام) همسر

راز اصیل آفرینش زن، تنها گرایش غریزی مرد به او نیست، قرآن در آیه ۱۸۹ سوره اعراف و آیه ۲۱ سوره روم، نقش اصلی فراهم کردن آرامش کانون خانواده را به زن داده است، و این یک اصل روانی در خلقت زن است. همان گونه که در قرآن نیز آمده،

رسول نیز بشری است مانند دیگر انسانها بنابراین او نیز همان عواطف و خصوصیات انسانی را داراست که یکی از آنها نیاز به همسر و سکینه است. علت آن که در این بخش به دیگر همسران پیامبر نپرداخته ایم، بدین علت است که اهمیت نقش حضرت خدیجه در همسری و حمایت از رسالت، بر طبق فرمایش نبی اکرم نیز غیر قابل مقایسه با دیگر همسران ایشان است. چنان که خدیجه را یکی از چهار بانوی سرور عالم لقب داده اند.

هوشمندی و نبوغ برخی زنان سابقه ای دیرینه دارد و آنان در موعظت پذیری و سلامت دل، جلوتر از مردانند و شواهد تاریخی این مسئله را تایید می کند. وقتی اسلام به عنوان دین جدید در جاهلیت عمیق حجاز ظهور کرد، تشخیص حقانیت آن از نظر عقل نظری نیاز به هوشمندی داشت و پذیرش آن از لحاظ عقل عملی نیاز به عزمی راستین و فولادین که هر خطری را تحمل کند. سبقت حضرت خدیجه در تشرف به دین اسلام به عنوان اولین زن مسلمان، از این نظر اهمیت خاصی دارد و تنها سبقت ظاهری و زمانی و مکانی نبود، بلکه مرتبتی بود، یعنی از لحاظ عملی و شرایط سخت

ثروت خدیجه

خدیجه بنت خویلد، زنی با اصالت و نسب شریف و از خانواده ای ثروتمند بود که طبق نقل برخی تاریخ نویسان، پیش از پیامبر دو شوهر کرده بود که پس از مرگ ایشان، ثروت آنها نیز به ثروت خودش افزوده شده بود. گفته اند زنی هوشمند بود که با تدبیر و آشنایی با امر تجارت، مالش را به عنوان مضاربه به ثروتمندان سرشناس می داد و بردگان بسیاری در کار تجارت داشت با چهارصد غلام و کنیز که فقط در خانه اش خدمت می کردند. هر روز نیز بر ثروتش افزوده می شد، چنان که گویند هشتاد هزار شتر، کاروانهای متعدد او را با کالای فراوان به مراکز اقتصادی آن روز مانند یمن و مصر و شام می بردند. تمام این ثروت صرف گسترش اسلام و حمایت از پیامبر خاتم شد. چنان که حضرتش می فرماید: هیچ ثروتی هرگز مرا آن گونه سود بخشید که ثروت خدیجه به من سود بخشید.^۴

مصارف اموال خدیجه عمدتاً در این موارد بود: آزادی بدهکاران و بردگان، کمک به مستمندان و یتیمان، رسیدگی به مسلمانانی که هجرت می کردند و مشرکان اموالشان را مصادره می نمودند، و خرید آذوقه و ملزومات هنگام محاصره شدید سه ساله در شعب ابی طالب. حتی این جمله به پیامبر نسبت داده شده که: «اسلام جز به شمشیر علی و ثروت خدیجه برپا نشد».^۵

خدیجه پیش از ازدواج با پیامبر و تشرف به دین اسلام، خود نیز به مستمندان و فقرا رسیدگی می کرد و پیامبر در روایتی از زمان نوجوانی و جوانی سخن می گوید که به نمایندگی از خدیجه به تجارت می پرداخت: «من کارفرمایی بهتر از خدیجه ندیدم. هر وقت من و دوستم پس از کار نزد او می رفتیم، غذایی گوارا برای ما آماده کرده و به ما هدیه می نمود».^۶

ایمان خدیجه به ظهور اسلام

خدیجه طبق پیشگویی های پسرعموی خود، ورقه بن نوفل که دانشمندی مسیحی بود، و در پی رویاهای صادقه اش مدام در جستجوی پیامبری بود که پیروان عیسی (ع) و موسی (ع) خبر از خاتمیتش می دادند.

ازدواج با یتیمی تهی دست، سنت شکنی عظیم

حمایت عاطفی خدیجه از یتیمی چون پیامبر ﷺ برای ازدواج و انتخاب باطن به جای ظاهر و فقری عزتمند به جای ثروتی غرورانگیز، در آن روزگار شکستن قالبها بود. انتخاب ارزشها به جای این سننهای غلط، هنری بود که تنها از خدیجه برمی آمد. مردان ثروتمند و مال اندوز قریش مدام در پی خواستگاری او بودند و زنان به



مال و ثروت و جاه و مقامش حسرت می بردند، اما خدیجه کسی را برای همسری برگزید که حتی پدرش به خاطر تهی دستی او با ازدواجشان مخالفت کرد. با این کار، سرزنش مردم نادان را به جان خرید که حتی به همین علت، حاضر نشدند هنگام وضع حمل فاطمه زهرا (س) به او کمک کنند و به تنهایی در مقابل تمامی جهالت ایستاد.

عزم راسخ در حمایت از رهبر

ایستادگی و تحمل مشکلات در راه حمایت از رهبر امت، ویژگی خاصی است که در زندگی درخشان چهار بانوی بزرگی که از آن ها به عنوان برترین زنان جهان یاد شده است، به چشم می خورد. آسیه در راه موسی (ع)، مریم در راه عیسی (ع)، خدیجه در راه محمد (ص)، و فاطمه (س) در راه دفاع از ولایت علی (ع).

قناعت و مناعت طبع و تحمل مصائب

با وجود آن که صرف مال در راه اسلام، چیزی از ثروت و مکنت گذشته برایش باقی نگذاشته بود، اما قانع بود و سازگار و لحظه ای منت مکنش را بر دوش پیامبر نگذاشت. خدیجه در تمام سالهای زندگی اش با پیامبر، شریک غمهای شوهر و تسلی بخش او در امر رسالت بود و ایثار و مقاومتش در برابر سرزنش و کنایه های دوست و دشمن در پاسداری از پیامبر مثال زدنی است.

سه سال در محاصره شدید اقتصادی قرار گرفت و شدائدی را تحمل کرد که پیش از آن به واسطه رفاهش هرگز در آن شرایط قرار نگرفته بود. با این وجود هرگز لب به شکوه و

گلایه نگشود و به دلیل تحمل همین مصائب در شعب ابی طالب، عمر با برکتش کوتاه گردید و همسر یگانه و دختر دردانه اش را با غمی سترگ و جانکاه تنها گذاشت. شهادت تدریجی او قلب پیامبر را ملامت از اندوه کرد. چنان که به واسطه رحلت او و عموی بزرگوار پیامبر، ابوطالب، آن سال «عام الحزن» نام گرفت. تنها نکته ای که اندکی رسول اکرم (ص) را آرامش می بخشید، این بود که خدیجه فاطمه (س) را به یادگار گذاشت، و ابوطالب علی (ع) را.

یاد مدام پیامبر از خدیجه

روزی عایشه به آن حضرت عرض کرد: چرا تا نام خدیجه برده می شود گریه می کنید؟ آیا برای پیرزنی سالخورده که سالها از مرگ او گذشته باید گریست؟ خداوند همسری جوانتر و بهتر از او را به شما عطا کرده است!

پیامبر روی از عایشه برگرداند و متغیر فرمود: «هرگز چنان نیست. او هنگامی که همه مرا تکذیب می کردید، تصدیق کرد، و هنگامی که کافر بودید او به من ایمان آورد و ثروتش را به من بخشید، و برای من فرزندی آورد، در حالی که شما نازا هستید»^۸

و همچنین فرمود: «بهشت مشتاق چهار زن است، مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم و همسر فرعون که همسر پیامبر در بهشت است، خدیجه دختر خویلد همسر رسول خدا (ص) در دنیا و آخرت، و فاطمه دختر محمد»^۹

پیامبر همواره به یاد خدیجه بود و از او سخن می گفت. بسیاری اوقات به دوستان خدیجه کمک می کرد و آنان را عزیز و گرامی می داشت و پی در پی از بزرگواری خدیجه و حمایت او در اوایل بعثت گفت و گو می کرد.

فاطمه (سلام الله علیها) دختر گرامی پیامبر (ص) و سیده زنان عالم

فاطمه، چه کسی است که سخن از او و نقش حمایتی اش در حفظ دین، رسالت و امامت، چنان بزرگ است که واژه ها در توصیف او در مانده اند؟! تنها به ذکر مصادیقی از روش های حمایتی این بانو بسنده می کنیم، به این امید که در آینده به تفصیل به آن بپردازیم.

زهرا (ع) برترین الگوی زنان است در تمامی تعاریف و مصادیق. حمایت عاطفی (چنان که ام ابیها یعنی مادر پدرش نام گرفت)، حمایت مالی و اقتصادی با قناعت و رسیدگی به مستمندان، حمایت سیاسی و اجتماعی در راستای اهداف رسالت، حمایت دفاعی از رسالت و امامت و مقابله با انحرافات و تحمل مصائب، و الگو بودن

در حجاب، خانواده و تربیت و عرصه های علمی و معنوی، تنها نمونه های کوچکی از صفات والای این بانوی بزرگ است.

آن گاه که دشمنان در اوایل بعثت، خاک و خاکستر بر سر پیامبر می ریختند، فاطمه (س) صورت مبارک پیامبر (ص) را پاک می کرد و اشک می ریخت. زمانی که مشرکان برای قتل پیامبر نقشه می کشیدند، فاطمه (س) با زیرکی متوجه می شد و مانع می گردید. وقتی پیامبر (ص) در مسجد الحرام به سجده رفت و ابو جهل و یارانش شکمبه گوسفند بر سر مبارک پیامبر (ص) انداختند و ایشان را به سخره گرفتند، این فاطمه (س) بود که خود را به پدر رسانید و با شهادت با مشرکان سخن گفت.

هنگام هجرت سختی راه را به جان خرید و در اطاعت از پیامبری که پدرش بود، به سفری رفت که بازگشتی به مکه نداشت. در جنگ ها نیز یار و یاور پدر و همسر بود. در احد و خندق، با پای پیاده خود را به پیامبر که مجروح شده بود رساند و از ایشان پرستاری کرد. در مباحله با مسیحیان، تنها زنی بود که مصداق اهل بیت قرار گرفت و با پدر، همسر و دو فرزند بزرگوارش در این امر مهم همراه گردید. ترک زینت دنیا کرده بود و رفتارش با کنیز به مانند یک خویشاوند نزدیک بود، چنان که کار خانه را با او تقسیم کرده بود. آرد را خود دستاس می کرد، آن قدر که دستان مبارکش تاول زده و پینه بسته بود. از شدت عبادت و نمازهای مداوم پایش ورم کرده بود. حتی در زمان روزه داری هم افطار خود و کودکانش را به فقیر و مسکین انفاق کرد و در عمر خود مالی نیندوخت. سیره رفتاری او در زندگانی کوتاهش، راهنمایی عملی برای همه زنان جهان است.

ام ابیها

در میان عرب کنیه زنان را به نام پسر یا دخترشان می آورند، اما فاطمه به نام پدرش خوانده شد: ام ابیها! اگر آمنة فرصت زیادی برای ابراز محبت و عاطفه مادری به محمد (ص) نیافت، در عوض فاطمه (س) آن را جبران کرد. ایشان در علم و فقاقت، در تربیت فرزند و امور خانواده، در اطاعت از رسول و رهبر، و در هنگام لزوم حمایت سیاسی و اجتماعی، نقش خود را به طور کامل ایفا کرد.

پس از رحلت پیامبر و غضب خلافت، با سخنان روشنگر و خطابه های آتشین خود در مسجد، سعی بلیغ کرد تا از انحراف امت از راه راستین و سنت پیامبر جلوگیری نماید؛ با اشک ها و ناله های روزانه و شبانه اش در بیت الاحزان، و تلاش برای احقاق حقش در فدک و مبارزه با

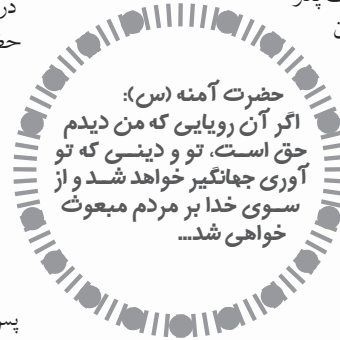
ظلمی که بر مولود همسرش روا داشته بودند...

خطبه‌های سرور زنان جهان؛ فریادی در برابر فراموشی حق

حضرت زهرا (س)، تنها مدتی کوتاه پس از رحمت پدر

بزرگوارش به حیات پربار خویش ادامه داد و در همان مدت کوتاه، نقش روشنگری و دفاع از رسالت و امامت و نهضت نبی اکرم ﷺ را به تمامی ایفا نمود. ایشان در دو خطبه مهم که پیش از رحلتشان ایراد فرمودند، اصول اساسی مکتب وحی و خطر انحراف از آن اصول را برشمردند تا حجت بر مسلمانان تمام شود.

خطبه اول که در زمان سلامت ایشان و در مسجد النبی و با حضور مردان مهاجر و انصار ایراد



سخن گفت و به شبهه‌ها پاسخ داد.

بخش هفتم: به عنوان اتمام حجت، از یاران راستین پیامبر طلب کمک نمود و گفتار خود را با تهدید ایشان به عذاب الهی پایان داد.^{۱۱}

در خطبه دوم که در بستر بیماری و در خانه ایشان و این بار در حضور زنان مهاجر و انصار ایراد شد، لحن ایشان کوبنده‌تر و محتوای آن غم‌انگیزتر است. این خطبه رنجنامه قلب مجروح دخت گرامی پیامبر ﷺ است که نشان از یأس ایشان از توجه به اصولی که در خطبه اول برای امت بازگو شده است دارد. حضرت در عین درد و بیماری، حتی یک کلمه در مورد حال شخصی و غم‌های درون خود نگفت و تنها هدفش، اتمام حجت بود و محور تمام سخنانش، غصب خلافت و مظلومیت امام خویش، و اشاره به خطرات آینده این انحراف. پس از حمد و ثنای پروردگار و ستایش پیامبر ﷺ، فرمود: «به خدا در حالی صحبت کردم که از دنیای شما متنفرم، مردان شما را دشمن می‌شمرم و از آنان بیزارم و... وای بر آنان که خلافت را از کوه‌های محکم رسالت و شالوده‌های متین نبوت و رهبری و جایگاه نزول وحی و جبرئیل امین و آگاهان در امر دنیا و دین، کنار زدند! بدانید که این خسران و زیان آشکار است...» در ادامه اشاره می‌نماید که با غصب خلافت، چه نعمت بزرگی چون حضرت علی (ع) را از دست داده‌اند، زیرا علی (ع) آگاه‌ترین مردم به حلال و حرام الهی و آیات قرآن است. و در جمله پایانی می‌فرماید: «تأسف بر شما! چگونه امید نجات دارید در حالی که حقیقت بر شما مخفی مانده و از واقعیت‌هایی خبرید... آیا ممکن است، شما را مجبور به پذیرش حق کنیم، در حالی که کراهت دارید؟» افسوس و عجب که امت، به گوش جان نشنیدند و از حق روی گرداندند...

رسالتی ابدی برای تمام زنان

هیچ پیامبری از میان زنان مبعوث نشده است اما اگر اندکی توجه کنیم و بپذیریم که به فرموده امام خمینی (ره): «از دامن زن مرد به معراج می‌رود»، بدون وجود زنان و حمایت ایشان، انبیا و به ویژه نبی مکرم اسلام، نمی‌توانستند وظیفه رسالت را به انجام برسانند. با الگوهایی که در این مجال نام برده شد و مصداق‌های عملی در سیره ایشان، وظیفه بانوان در رسالت پیامبران تبیین می‌شود. بانوانی که رسول مهرورزی، عطف، صلابت، ایثار و مقاوم‌تند...

پی‌نوشت‌ها:

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۴۱، روایت‌های ۸ و ۹، باب ۱۹.
۲. روض الانف و نکه: الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۲۲۳.
۳. نقل از کتاب در المنثور، ص ۱۶ و ۱۷.
۴. زن در آینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی، ص ۳۰.
۵. بحار، ج ۱۹، ص ۶۳.
۶. فاطمه الزهرا و نفی محمد، از سلیمان کتانی، ص ۱۱۲.
۷. بحار، ج ۱۶، ص ۹ و ۱۰.
۸. بحار، ج ۱۶، ص ۸ و کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۲.
۹. بحار، ج ۴۳، ص ۵۲.
۱۰. زهرا (س)، برترین بانوی جهان، آیت الله مکارم شیرازی، ص ۱۴۶.



شد، بر هفت محور اساسی استوار بود:

بخش اول: تحلیل فشرده و عمیقی پیرامون توحید و صفات پروردگار و اسامی حسنی و نظام آفرینش.

بخش دوم: ستایش پیامبر ﷺ و خصوصیات، مسئولیت‌ها و اهداف ایشان.

بخش سوم: اهمیت قرآن مجید و عمق تعلیمات اسلام، فلسفه و اسرار احکام.

بخش چهارم: ضمن معرفی خویش، خدمات پدر بزرگوارش را برای امت بازگو نمود و گذشته جاهلی مردم را با وضع امروزی‌شان مقایسه فرمود.

بخش پنجم: حوادث و رویدادهای ناگوار بعد از رحلت پیامبر ﷺ را تحلیل نمود و پرده از هدف و نیت منافقانه برخی از صحابه برداشت.

بخش ششم: از غصب فدک و بهانه‌های واهی دیگران در این مورد